



ابنیه و آثار خیابان لاله‌زار ثبت جهانی شود

■ **حسن روانشید***

تا زمانی که در غفلت به سر بریم غارت‌ها دامه خواهد داشت، این منش غرب بوده و هست، مینی کشورهای خلیج‌فارس یادگیرهای یزد را کیی-برداری کرده و با احداث آن در رسانده‌اند تا به این بهانه سیاحان و جهانگردان با عنوان آثار ملموس قوم عرب به ثبت جهانی رسیده‌اند تا به این بهانه سیاحان و جهانگردان را به شن‌زارها دعوت کنند اما میراث فرهنگی کشور، همچنان برهوت حیاط‌خلوتی دولت‌ها را سپری می‌کند!

اینجا تهران است و پایتخت سرزمین کهن که هر وجیش تاریخی شنیدنی، دیدنی و خواندنی دارد، شاید کمتر کشوری در جهان پیدا شود که بتواند ادعا کند از لحاظ آثار تاریخی ملموس و غیرملموس چیزی کم ندارد، اما ایران به‌راحتی قادر است این حقیقت را که سرآمد تاریخ و تمدن است، به ثبوت برساند. اگرچه شهر سوخته آن در سیستان و بلوچستان، ارگ بمش در کرمان، مسجد سلطانی‌هاش در زنجان و منارجنبانش در اصفهان مستندل‌ترین نمونه‌های موجود بر این ادعاست که چغازنبیل در خوزستان نیز خود را کهن‌ترین اثر تاریخی، اما سرآمد معاری می‌داند.

از کادامین گوشه این کشور بهنوار سخن بگیریم، در بام مرغفتش یعنی بوئین میاندش گرجی‌هایی زندگی می‌کنند که در کنار شان قدیمی‌تر تین کیلسیای ارامنه پابرجاست و در شهرستان فلاورجان قبرستان تاری پیر بکران قوم یهود ساکن در این سرزمین را دارد که متعلق به عهد عتیق است.

حفظ و نمایش این همه عظمت در کشور باستانی ایران از عهده یک سازمان چندمنظوره با نام میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خارج است و نیازمند وزارتخانه‌ای پراکنجه است که آثار موجود را بازیایی، نگهداری و به آحاد مردم خود و جهانگردان جهان عرضه کند و ضمنا به کشف بقایای ارزشمندی بپردازد که هنوز به مرحله رویت نائل نشده‌اند. آنچه کمبود آن در این حوزه قطع پیش از همه دوران‌ها احساس می‌شود بی‌توجهی و سهل‌انگاری پیرامون داشته‌های ارزشمندی است که با زبان بی‌زبانی از جامعه فرهنگی کمک می‌خواهند تا از تخریب و نابودی کامل نجات یابند. ناصرالدین شاه که در سفر اروپا تحت تأثیر خیابان شانزه‌لیزه پاریس فرارگرفته بود پس از بازگشت باغ لاله‌زار را در تاریخ و عبرت را زنده نگاه داشت.

پایتخت به معماران دربار سپرد تا خیابانی با

رئیس سازمان صدا و سیما در سئندج:

تعداد شبکه‌های ماهوارهای ضدفرهنگ و هویت کشور از مرز ۲۶۰ کانال گذشته است



رئیس سازمان صدا و سیما مدعی شد تعداد

شبکه‌های ماهوارهای ایجادشده علیه فرهنگ و هویت کشور از مرز ۲۶۰ کانال گذشته است.
علی‌عسگری شامگاه پنج‌شنبه در اختتامیه بیستمین جشنواره تولیدات رادیویی و تلویزیونی مراکز استان‌ها که در سینما بهمن سئندج برگزار شد، اظهار داشت: استان کردستان، مهد فرهنگ و تمدن و استانی وفادار است که در قدوس انقلاب پای امام(ره) و آرمان‌های انقلاب باقی ماند. وی گفت: کردستان، استان فرهنگ و هنر و به تسلما معنی زیبا و رنگارنگ بوده و استان طلایی سرزمین ایران است. رئیس سازمان صدا و سیما تصریح کرد: استان کردستان از لحاظ معماری و میراث فرهنگی، دارای زیبایی‌های متنوعی بوده و از لحاظ هنر، موسیقی، مجسمه‌سازی و شعر تراز بالایی را به خوداختصاص داده است.

وی با بیان اینکه مجاهدت و سلحشوری استان کردستان بی‌ظنیر و مثال‌زدنی است، ادامه داد: شهیدان استان کردستان شهدای بزرگی هستند و این خطه، سرزمین سلحشوران است. عسگری با بیان اینکه ماهیت، ارزش و سلحشوری استان کردستان بابیان حماسه‌ها آشکاری می‌شود، افزود: امیدواریم این اجلاس که در قلب کردستان و سینندج زیبا برگزار شد، گامی در جهت ارتقای فرهنگ و اقتصاد این استان باشد. وی در بخشی دیگر از سخنان خود اظهار کرد: تعداد شبکه‌های ماهوارهای ایجادشده علیه فرهنگ و هویت ما از مرز ۲۶۰ کانال گذشته، بنابراین رسانه ملی باید تلاش کند تا مرجعیت ملی و از طریق برندینگ

فرهنگ‌و‌هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۴۶

ورونیکا فاضلی بانوی نویسنده آلمانی در گفت‌وگو با «جوان»:

حجاب پارچه روی سر نیست مسئولیتی بزرگ است



■ **معصومه طاهری**

با وجود جامعه سیاه و سفید کمونیستی و دیوار بلندی که بین آلمان شرقی و غربی کشیده شده بود، نور اسلام در دل دختر جوان آلمانی تابید و باعث شد تا ساسره از تاسره را تشخیص بدهد و با ایمان به خدا مسلمان شود.

«ورونیکا پتا» را که بعد از ازدواج با

همسر ایرانی، نام خود را به مریم فاضلی تغییر داد اغلب به واسطه برنامه «ماه‌عسل» می‌شناسیم؛ دختری که به شناسنامه داشت و خیلی از دستورات پرورش دهد تا دفاتر خود را در خواستی آن مستقر نمایند و به افشاگری علیه حکومت‌ها بپردازند. تعداد آثار ارزشمند معماری در این خیابان فراوان بود که امروزه اغلب آنها به مخروبه تبدیل شده‌اند و نفس‌های آخر را می‌کشند که گراند هتل یکی از آنهاست که در حال اینها کامل است و به انبار کابل و لوازم برقی کنی تبدیل شده و سالن‌های سینما گراف و تئاتر آن نیز در حال انقراض است.

این خیابان همچنان یک سند تاریخی برای نسل‌های فعلی و آینده است تا بتوانند در آن تمرکز و جریانات هنری، فرهنگی، ادبی و سیاسی را ازبندبند آن بیرون کشیده و بازنویسی کنند که البته سهمی از آن تحت عنوان شبه‌های لاله‌زار در ۲۸۰ قسمت و روزنامه اصفهان امروز سال ۱۳۹۵ به چاپ رسید که در سایت این روزنامه برای مطالعه و دانلود علاقه‌مندان تاریخ هنوز هم موجوداست.

آنچه وظیفه سازمان میراث فرهنگی کشور می‌باشد همانا ایجاد کار گروهی برای نجات

دیگر آثار باقیمانده در این خیابان است تا بتوان با سنگ‌فرش کردن کف آن نوسازی‌های تاریخ و عبرت را زنده نگاه داشت.

اعتقادی به حجاب نداشتم. فکر می‌کردم

حجاب مربوط به ایران است، نه جای دیگر. بعد از ازدواج هم به همسرم گفتم من از داشتن حجاب در جامعه نگرانم و می‌ترسم که در بیرون از خانه حجاب داشته باشم، تا اینکه همسرم گفت برویم پیش یک خانم اهل افغانستان که در آلمان است.

هر آنچه را از فرهنگ و سبک زندگی غربی به‌درد نمی‌خورد، کنار می‌گذارم برای همین شیرینی معنویت را درک می‌کنم، ولی متأسفانه در ایران برخی اولدبسته به سبک زندگی غربی هستند و همین از حجاب را خوانند و همسرم برایم ترجمه می‌کرد. آن خانم گفت حجاب برای خانم جهاد است مانند جهاد در جبهه که برای مردهاست و من وقتی همسرم توضیحاتش را برایم می‌خواند فقط یک گریه می‌کردم و گفتم حجاب فقط یک پارچه روی سر نیست، بلکه یک مسئولیت بزرگ پشت سر آن برای زن‌هاست. آن زن هنوز اینترنت نبود و کتاب اسلامی به زبان آلمانی ترجمه نشده بود. اطلاعاتی از اسلام نداشتم و نمی‌توانستم جواب منطقی و درستی به افراد کنجکاو یا توهین‌کننده بدهم برای همین بیشتر می‌ترسیدم، ولی خانم افغان به من گفت اگر برای خدا کاری انجام بدهی خودش کمک می‌کند. پس من هم فقط به خدا تکیه کردم، البته برای من که در فضای کمونیستی بدون خدا شخصیت شکل گرفته بود، سخت بود ولی از خدا کمک خواستم تا حجاب داشته باشم.

داشتم این حجاب کامل سخت نیست؟

خدا کمک کرد تا با داشتن حجاب آرامش خاطر پیدا کنم. وقتی اولین بار با حجاب بیرون رفتم، زن صاحبخانه با کنجکاوئی از من سؤال کرد و من با لطف خدا جواب قانع‌کننده به او دادم. خیلی حس خوبی داشتم، من این حجاب را دوست دارم.

فکر می‌کنید چرا بعضی از زنان ایرانی با وجود نبود موانع حجاب، باز هم در رعایت آن مشکل دارند؟

کسی که تازه به اسلام ایمان آورده است هر آنچه را از فرهنگ و سبک زندگی غربی به‌درد نمی‌خورد، کنار می‌گذارم برای همین شیرینی معنویت را درک می‌کنم، ولی متأسفانه در ایران برخی اولدبسته به سبک زندگی غربی هستند و همین از حجاب را خوانند و همسرم برایم ترجمه می‌کرد. آن خانم گفت حجاب برای خانم جهاد است مانند جهاد در جبهه که برای مردهاست و من وقتی همسرم توضیحاتش را برایم می‌خواند فقط یک گریه می‌کردم و گفتم حجاب فقط یک پارچه روی سر نیست، بلکه یک مسئولیت بزرگ پشت سر آن برای زن‌هاست. آن زن هنوز اینترنت نبود و کتاب اسلامی به زبان آلمانی ترجمه نشده بود. اطلاعاتی از اسلام نداشتم و نمی‌توانند شیرینی معنویت را درک کنند.

شمارا بیشتر با برنامه «ماه‌عسل» می‌شناسند، این برنامه چه تأثیری در زندگی شما داشت؟

بله، مردم خیلی به من لطف داشتند. عده‌ای تا من را می‌شناسند بغلم می‌کنند و می‌پوسند و تبریک می‌گویند و برای سخنرانی‌هم در دانشگاه‌ها جاهای مختلف دعوت شده‌ام.

چه سوالاتی از شما می‌پرسند؟
اینکه چه کار کنیم به درک شما از اسلام برسیم یا چرا مسلمانان به فرهنگ غربی گرایش دارند و هویت دینی آنها کمرنگ می‌شود.

چه کتاب‌هایی را برای تقویت اسلم خود مطالعه کردید؟

اولین کتابی که خواندم کتاب حج از آقای قرائتی بود. حین مطالعه می‌دیدم مطالبی با خط دیگری بود. متن‌های چالبی بودند، بعداً فهمیدم آن جملات احادیث امانان هستند که برای جذابیت و کشش داشتند. وقتی هم که به ایران آمدم کتاب شهیدمطهری را که به زبان آلمانی بود، خواندم و روی من تأثیر زیادی گذاشت.

علیرضا قزوه، نویسنده کتاب برادر انگلستان:

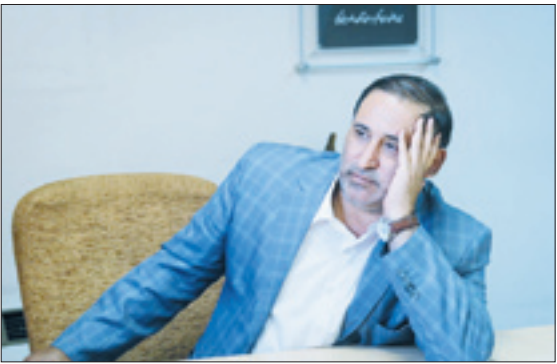
در ادبیات ایران، شاعران بنای نوشتن داستان را گذاشته‌اند

خودش ریشه در خاطرات او از کودکی تا بزرگسالی و البته سال‌های التهاب فکری او دارد.

به مناسبت انتشار این رمان وی در گفت‌وگویی با مهر عنوان کرده است: من خیلی هم بیگانه با فضای داستان و رمان نبوده و نیستم. سال‌های آغازین رمان‌نویسی در دهه ۶۰، چند داستان کوتاه هم نوشتم که در کتابی با عنوان «در حاشیه شط» که توسط محمد حسین جعفریان گردآوری شد، منتشر هم شد و از قضا نام این کتاب برگرفته از داستان کوتاه من بود.

مدت‌ها در مجله جوانان و چند جای دیگر هم داستان منتشر می‌کردم، اما به باور من داستان امری نیست که جدا

از ادبیات فارسی باشد و پرداختن یک



در حال حاضر رابطه شما با خانواده و دوستان در آلمان چگونه‌است؟

متأسفانه رابطه من و تنها برادرم خیلی سرد است، چون سیستم کمونیستی روی فطرت انسان تأثیر می‌گذارد و من را به دلیل داشتن دین و اعتقاد به خدا ضعیف و ترسو می‌دانند. وقتی به آلمان می‌روم رابطه‌ای نداریم. پدر و مادر هم بعد از اینکه مسلمان شدم با من قطع رابطه کردند، چون بعد از ۱۱ سپتامبر مسلمان شدم و جو بدی علیه مسلمانان بود و آنها را ترور یست می‌دانستند. پدر و مادرم نمی‌توانستند به دیگران بگویند دخترمان مسلمان شده است. بعد از شش سال که آلمان رفتم، هنوز رابطه‌مان سرد بود. پدرم مدام به من زخم زسان می‌زد و دلم را می‌شکست. در اسلام هم تأکید شده به پدر و مادر احترام بگذاریم و آنها را ناراحت نکنیم، واقعا نمی‌دانستم چه کار کنم، از طرفی مادرم هم بیماری چشم داشت و نمی‌توانستم از آنها بی‌خبر باشم تا اینکه یک بار در محرم و صفر خیلی از خدا کمک خواستم. وقتی به آلمان رفتم باز هم پدرم شروع به زخم زبان زدن کرد، اما آن دفعه دلم نشکست و ناراحت نشدم بلکه دلم برای پدرم سوخت و بعد در سجده خیلی گریه کردم و از خدا خواستم من را ببخشد چون آنها منظوری ندارند و برایشان دعا کردم. به کمک خدا پدرم دیگر به من زخم زبان نمی‌زند.

بعد از تشرّف به اسلام خاطره خوب یا بدی در ذهن دارید؟
خاطرات زیاد است ولی وقتی به ایران آمدم و در تهران ساکن شدم بی‌با دین زنان بدحجاب که مانتوهای تنگ و کوتاه می‌پوشند و شال‌های بدون رعایت حجاب بر سر می‌کنند احساس کردم تهران خیلی عوض شده است و ناراحت‌کننده بود، برای همین سعی کردم خودم به عنوان شیعه حجابیم کامل باشم. اما خاطره شیرین، وقتی اولین بار در مصیبت امام حسین(ع) به زیر چادر رفتم، و به دور از نگاه دیگران توانستم گریه به بهترین لذت دنیا برآورم بود.

به عنوان یک مسلمان شیعه چه چیز اام علی(ع) برای شما بیشتر مورد توجه‌است؟
همه چیز امام علی(ع) مورد توجه است و باید الگوی خود قرار بدهیم به خصوص رفتار و مظلومیت امام بیشتر من را تحت تأثیر قرار می‌دهد چون خودم اندکی حس کردم که به خاطر مسلمانئی چقدر اذیت می‌شوم و بدبیراه رفتند و مجبور به سکوت بودیم. به همین خاطر معتقدم نباید امام علی(ع) را محدود به میلاد و عید غدیر کنیم بلکه باید همواره راه امام‌علی(ع) را دنبال کنیم و درس بگیریم.

هر استان یک دهکده مقاومت با هدف سرگرمی‌های تعالی بخش



به همت سازمان بسیج برای هر استان یک دهکده مقاومت پیش‌بینی شده که هدف آن تفریحات و سرگرمی‌های تعالی‌بخش و مجاهدپرور است.

سردارمحمد رضا تقدی معاون فرهنگی اجتماعی سپاه در بازدید از شهربازی معارفی که از ششم شهریور ماه با تلاش جوانان مؤسسه تبیان و با حمایت اداره کل روابط عمومی و امور رسانه استان قدس رضوی در مرکز نمایشگاه‌ها و همایش‌های استان قدس رضوی برپا شده است، اظهار داشت: در دین اسلام پسندیده است که سرگرمی و تفریح، تعالی‌بخش و انسان‌ساز باشد.

وی با بیان اینکه اگر طالب جامعه‌ای اسلامی هستند باید در تمام ابعاد زندگی خوداندیشه اسلامی را بسط دهیم، افزود: در این شرایط لازم است که همه عرصه‌های زندگی‌مان اعم از اقتصاد، سیاست،فرهنگ و همچنین تفریحاتمان تفریحاتی تعالی‌بخش و سازنده باشد.

تقدی افزود: در دنیا چیزی که به عنوان تفریح و سرگرمی مطرح می‌شود برای غفلت و از خود شدن است که این به عنوان لهو و لعب در اسلام مردود است. سرگرمی و تفریحی در اسلام موردپسنداست که علاوه بر اینکه موجب فرح و شادی می‌شود انسان را به سمت غفلت و بی‌خبری از خود سوق ندهد.

وی با تقدیر از برپایی شهربازی سرزمین بازی و نادایی گفت: این حرکت خوبی که آستان قدس رضوی انجام داده است، سال‌ها پیش باید عملی می‌شد و بالاخره توسط جوانان خوب و ارزشمند کشورمان رقم خورد.

معاون فرهنگی اجتماعی سپاه با اشاره به پیش‌بینی دهکده مقاومت در هر استان گفت: به همت سازمان بسیج برای هر استان یک دهکده مقاومت پیش‌بینی شده است که هدف آن تفریحات و سرگرمی‌های تعالی‌بخش و مجاهد‌پرور است. یعنی به جای اینکه یک عنصر بی‌حس و خنثی از درون تفریحات خارج شود، تلاش بر این است تا مخاطب به جهاد و مقاومت و حرکت در مسیر حق نزدیک‌تر شود و به نظر من این مجموعه‌ها در کنار آن دهکده‌ها می‌تواند بسیار کارساز باشد.

وی تصریح کرد: این‌گونه مسائل را اگر بخواهید به صورت پایدار و مداوم داشته باشید لازم است به شکل اقتصادی اداره شود. یعنی اگر کسی هزینه می‌کند تا این مجموعه بازی را اجرا کند، با اقساطی که به بانک می‌پردازد باید درآمدی داشته باشد تا بتواند در مدت منطقی و معقولی سرسرمایه‌گذاری خود را پاسخ دهد و به سودآوری برسد. مثل شهربازی‌های دیگری که در آمد خوبی دارند و مجوز دریافت می‌کنند ما نیز باید این کار را اقتصادی و مستحکم‌تر کنیم.

تقدی افزود: در این مسیر می‌توان ایده‌های خوب را جمع‌آوری کرد. طبیعتاً شهربازی معارفی نتیجه اندیشه عده معدودی بوده است و اگر آن را در معرض عموم قرار دهیم می‌توانیم از افکار و ایده‌های بیشتری بهره‌مند شویم تا از این طریق کار قوام بیشتری پیدا کند.

وی تصریح کرد: من به آینده این کار بسیار امیدوارم و باید برای گسترش این طرح دست به هر اقدام مؤثری بزنیم. یکی از راه‌های این است که جشنواره‌ای برای تفریحات و سرگرمی‌های تعالی‌بخش برپا کنیم تا از دل آن، ایده‌های جدید، لازم و به تلفیق شوند.

با نهاییی شدن فیلمنامه

قرار داد اولین فیلم مشترک ایران و کره بسته‌شد

اولین فیلم سینمایی ایران و کره به صورت مشترک تولید می‌شود که اکنون مراحل نگارش فیلمنامه آن به پایان رسیده است. قرار داد تولید اولین فیلم سینمایی مشترک ایران و کره با همکاری مؤسسه سینمایی اشراق و مرکز گسترش سینمایی مستند و تجربی و کمپانی هولوری کره و با حضور نماینده معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور و معاون وزیر فرهنگ کره در ستول منعقد شد. این فیلم که روایتگر داستانی اسطوره‌های تاریخی از فرهنگ دو کشور است به تهیه‌کنندگی علی نوری اسکویی و سوک سنون جو و کارگردانی کیم هیونجو ساخته خواهد شد.

مراحل نگارش فیلمنامه و پیش‌تولید این فیلم به پایان رسیده و پس از نهایی‌شدن مراحل مجوز ساخت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تولید آن در دو کشور کلید خواهد خورد.